

## مخالفین خواست استقلال کردستان عراق چه کسانی هستند؟!

عبدالله شریفی

بعد از نشست مشترك دو حزب اتحادیه میهنی کردستان ( یکیتی) و حزب دمکرات کردستان (پارتی) به تاریخ چهارم اکتبر، که آنرا نشست "پارلمان" نامیدند، دور دیگر از هیاهو و جنجال را در میان ناسیونالیستهای کرد برانگیخت. پیامهای تبریک رد و بدل کردند، رقص و پایکوبی و هلله کردند، گفتند که نقطه عطف تاریخ "ملت" کرد بوده است، گفتند که "کرد"ها هم دارند صاحب دولت خودشان میشوند، درایت و صلح دوستی رهبرانشان را تحسین گفتند و...

بحث بر سر این مساله از محدوده محافل ناسیونالیست کرد، چه نوع اسلامیش و چه عشیره ای و چه غرب نشین شرقگرا، تجاوز کرد و به محافل سران دول منطقه بسط داده شد. همان روز اول مسعود بارزانی و جلال طالبانی گفتند که قصدشان اعلام هیچ تحولی نیست و صرفا به اجرای قرارداد واشنگتن مبادرت کرده اند، گفتند که در جلسه پارلمانشان از تمامیت ارضی عراق دفاع کرده اند و به عنوان بخشی از خاک عراق به چاره جویی نشسته اند. گفتند که عراقی یکپارچه، دمکرات و فدرالی میخواهند و با دول همسایه همان هستند که تا به حال بوده اند... ظاهرا این مساله باعث شد که ترکیه علیه هر نوع "دولت و استقلال" در کردستان عراق، بار دیگر به حرف آید، و رد هر گونه دولت و شبه دولت و پارلمان و غیره را گوشزد کند. وزیر دفاع ترکیه صباح الدین کک مکو گولو هشدار داد که دولت متبوعش با تمام قوا مانع استقلال کردستان عراق است و همزمان حضور نظامی خود در شمال عراق را تقویت کردند. در حاشیه جلسه سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، در استانبول هفته گذشته، خاتمی رئیس جمهور اسلامی هم از خطرات استقلال کردستان عراق از طریق گزارشگر آناتولی ترکیه و متعاقبا از طریق روزنامه های ایران از ابرار و حیات نو گرفته تا رسالت و کیهان مخالفت دولت اسلامی را با هر شکلی از دولت در کردستان عراق ابراز داشت. چند روز بعد بهرام ولدبیگی مدیر (انیستیتوی فرهنگی کردها) در تهران، در مصاحبه با رادیو اسرائیل به سران جمهوری اسلامی اطمینان خاطر داد که احزاب کردی در عراق به دنبال هیچ نوع

حکومت مستقلی نیستند. او گفت که این احزاب برای کشورهای همسایه به ویژه ایران نه تنها تهدید محسوب نمی‌شوند بلکه از هم پیمانان سالهای دور و نزدیک جمهوری اسلامی ایران هستند...

آنچه طی این دو هفته گذشت کوچکترین ربطی به خواست استقلال کردستان عراق ندارد. لازم به هیچ استدلالی نیست خود کسانی که نمایش پارلمان بازی را اجرا کرده اند خود با صراحت این را میگویند. روز ۱۴ اکتبر تلویزیون الجزیره با مسعود بارزانی مصاحبه ای مفصل داشت و ایشان چندین مرتبه بر حفظ تمامیت ارضی عراق با تاکید سخن گفت، روز بعد از نشست مشترك این دو جریان به نام نشست پارلمان، جلال طالبانی در کنفرانسی مطبوعاتی گفت: " ... ما در درجه اول خواهان حفظ همین سه استان عراق یعنی سلیمانیه و دهوک و اربیل هستیم در درجه دوم اگر آمریکا قبول و حمایت کند کرکوک و موصل را باید داشته باشیم و...." روزانه در روزنامه و مدیای این احزاب میتوان خواند و شنید که چه قسم هایی به یکپارچگی عراق میخورند. و اما سوال این است چرا در چنین شرایطی این مباحث به میان میاید؟ روشن است که مساله حمله نظامی آمریکا به عراق امروزه بیش از هر وقت دیگر تهدیدی جدی است که نه تنها منطقه خاورمیانه بلکه بر تمام جهان سایه افکنده است. وقوع این حمله ضد انسانی و آینده عراق و مردم عراق، مساله همگان با برداشت متفاوت و متضاد شده است. تا آنجا که به احزاب حاکم در کردستان بر میگردد، اینها نه ظرفیت دولت شدن را دارند و نه توقعی از این بابت از طرف غرب به اینها دیکته شده است، این احزاب اهل قانون و مدنیت نیستند، ۱۲ سال است که هر يك با گذار جهنمی و ویرانگر جنگهای داخلی بر چند شهر و روستا خود را بر بستر فقر و سردرگمی که بر مردم ارزانی داشته اند، تحمیل کرده اند، قوانین "مدنی" از غسل العار تا قوانین جزایی مخالفین و ... از پس مانده رژیم بعث بر مردم اعمال کرده اند. قانونشان در برابر زن و کودک و رفاه و حق شهروندی و... از ملاحای خرسوار گرمیان و شاره‌زور و بیتواته گرفته اند، دستورات را از میت ترکیه و رحیم صفوی و اطلاعات جمهوری اسلامی دریافت کرده اند. در سایه محاصره اقتصادی مردم عراق و از گرسنگی مردن کودک و سالمند و پیرو جوان سرمایه

گذاری کرده اند. این خیمه شب بازی در این شرایط تنها یادآوری قواعد بازی به همدیگر است. غرب و ترکیه و ایران و حتی صدام میدانند که احزاب ناسیونالیست کرد اهل دولت‌داری و این نوع حرفها نیستند، جریاناتی که در قیاس با احزاب و دولتهایی که اکنون در دنیا به وفور پیدا میشوند و از قضا صدتاشان ده شاهی نمی‌ارزند، هم عقب‌ترند. عشیره سازمان‌داده شده‌اند که سر کار آمدنشان با معادلات غرب و عراق بود و مبنای جنگ و دوستیشان روابط دول منطقه می‌باشد. این یکی از تهران و آن یکی از آنکارا دستور می‌گیرد از پابوس آخوندها تا سر به درگاه میت و صدام ساییدن، با هم رقابت دارند. همانگونه که جنگ و دعوایشان انعکاس سیاستهای دول منطقه است دوستی و هم‌پیمانشان هم همینطور، بی‌شک بی‌ربطی این جریانات راجع به صلح و حقوق مردم کردستان بر کسی پوشیده نیست. هر چند که دست برداشتن از سر مردم و به هر صورتی "دوستیشان" بر جنگ و ویرانگریشان ارجحیت دارد، اما برای کسی جای باور نیستند. در فردای کشتار مردم عراق و کردستان از طرف ملیتاریسم آمریکا و دست و پا زدن صدام و دخالت ترکیه و غیره باز بعید نیست که جنگی به مراتب خونین‌تر با هم نداشته باشند و وضعیت تیره کنونی را صد چندان نکنند. اینها همه، پرسوناژهای ریز و درشت یک سناریو سیاه هستند، سناریویی که اکنون کابوس آن را در مقابل جهان گرفته‌اند. آنچه این جمع، امروز به خورد مردم کردستان میدهند، که گویا در این کشتار جمعی مردم عراق، که قرار است "ملت" کرد به نوایی برسد! مردم کردستان مشمول این کشتار نخواهد بود، دروغ محض است. سرنوشت مردم، فقر و کشتار مردم در معادلات جدی اینها جایی ندارد. کسی که سالیان است از بابت مرگ و میر کودکان مردم عراق نان می‌خورد، کسانی که خوب میدانند که محلات فقیر نشین بغداد بیشتر به گورستان شباهت دارد تا به جامعه مدنی، کسانی که خود عامل فلاکت و تیره‌روزی مردم کردستان هستند و شرایط غیر قابل تحمل و فرار دسته جمعی جوانان و خود را به کام مرگ انداختن تا از این دوزخ رها شوند را مهاجرت جوانان برای خوشگذرانی مینامد، قطعاً در تفکرشان در تصویرشان جایی برای این مردم باز نمیکنند.

خواست رفتارندم برای استقلال کردستان سالها پیش به عنوان پروژه ای از طرف حزب

کمونست کارگری عراق مطرح شد، این راه چارای بود که میتوانست مردم را از سر درگمی خارج کند، میتوانست رجعت به آرای مردم و دخالت مردم بر سر نوشتشان را تا حدودی تامین کند، اما این جریانات، طرفداران رفراندم برای استقلال را مورد حمله قرار دادند، به کشتن و ترور و زندانی کردن و ایجاد ارباب و توسل به خشونت سازمانیافته و سفارشی از ترکیه و ایران مانع جدی آن شدند.

اکنون وقوع حمله نظامی به عراق، مخاطراتی که سرنوشت مردم عراق را تهدید میکند به همان میزان مردم کردستان عراق را نیز جدا تهدید میکند. بعید نیست که فدرالیستهای اسلامی و ناسیونالیستهای کرد و قوم پرستان ترك مدافع سیاستهای شوونیستی دولت ترکیه میدان باز کنند تا دور دیگر از کشتار و رنج بی پایان به مردم تحمیل کنند. سر کار آوردن ژنرال دیگر آمریکایی، لویی جرگه عراقی و هر شکل دیگر از بالا، هم همین مخلصه را به دنبال دارد.

اما نیروی آزادیخواه و مردم جان به لب رسیده، در عراق و کردستان اگر چه به عقب رانده شده اند، اما نیرویی جدی است و مورد حمایت افکار عمومی جهان متمدن است. اگر این نیرو به میدان بیاید و در سرنوشت خود دخالت کند این جریانات به ابزارهایی بی مصرف تبدیل میشوند و به حاشیه رانده میشوند. کلید این معما در دست مردم آزادیخواه است.

۲۰ اکتبر ۲۰۰۲